

روز عفاف و حجاب گرامی باد
شکوفه‌های ایمان

۹

۱۸۲

کوله‌بیشه

۱۴۰۲ ۰۴ ۲۱

ضمیمه رایگان روزنامه شهرآرا
روزه کودکان و نوجوانان مشهد
شماره ۳۸۶ روزنامه شهرآرا
آشنایی به

ما با هم
حرف می‌زنیم

۱

در راه پیروزی
دل‌سردی
معنی ندارد

۱۲



ما با هم حرف می‌زنیم

بعد از نام و یاد خدای مهربان، سلامی به گرمی و سخاوت*
تابستان به همه‌ی شما خوبان. امیدواریم خوب و خوش
باشید و در کنار خانواده‌های خود، سالم و خوش حال باشید.
دیروز وقتی از بازی فوتبال با بچه‌های محله‌مان به خانه برگشتم.
آبی به سرو صورت زدم و وارد حال شدم. همان اول، از دیدن بابا بزرگ
و مادر بزرگ در کنار بابا و مامان تعجب کردم. آخر، همین هفته‌ی
گذشته بود که از پیش ما به شهرشان رفته بودند. با خوش حالی
به سویشان دویدم و بعد از سلام و احوالپرسی گفتم: «وای! چه
خوب شما دوباره پیش ما برگشتید!» مادر با لبخند گفت: «بیا
اینجا کنارمان بنشین پسر. جلسه‌ی خانوادگی داریم. کار مهمی



طینه ثابت



فهرست

ما با هم حرف می‌زنیم ۱/
چادر گل‌دار ۲/
جا وسایلی برای خانواده ۳/
من دیگر بزرگ شده‌ام ۴/
مدافعان قلعه ۶/
نیم و جیبی‌ها ۷/
مثل ایوا مهربان باش ۸/
شکوفه‌های ایمان ۹/
قاب کودکی ۱۰/
با قدرت هوا
بطری پلاستیکی را مجاله کن ۱۱/
در راه پیروزی دل‌سردی معنی ندارد ۱۲/
خانواده و شما ۱۴/
جدول انگلیسی ۱۶/
عروسک بدون چهره‌ی
روستای قلعه‌قافه ۱۷/

صاحب امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر منمائم:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله پشتی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
ایتای روزنامه: ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
توزیع و امور مشترکین:
۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰



گفت: «به نظرم کمی دیگر باید فکر کنیم. فردا تصمیم خانوادگی را بگویم بهتر است.» من و برادرم به اتاقمان آمديم تا کمی در این مورد فکر کنیم. برادرم در حالی که لیخنه به لب داشت رو به من گفت: «یکی از چیزهای باارزش برای همه که باید قدر آن را بدانیم و از آن با همهی وجود خود محافظت کنیم خانواده است. چه قدر خوب که در خانوادهی ما همه نظر هم را می پرسند و گفت و گو می کنند. این طوری با ابتکار همه مشکل ها حل می شود.» من هم گفتم: «مشورت کردن با اعضای خانواده واقعا به ما احساس دلگرمی و اعتماد به نفس می دهد.» و دوتایی به رفتن و نرفتن فکر کردیم.

* سخاوت: بخشندگی

پیش آمده است که باید همه در یک دورهمی خانوادگی تصمیم بگیریم و حلش کنیم.» گفتم: «من که بزرگ نشده ام هنوز. ببخشید. الان می روم اتاقم.» بابا با خنده گفت: «نه، بیا اینجا، شما هم کنار ما بنشین پسر. برادرت کجاست؟» گفتم: «کلاس زبان است. امروز چهارشنبه است و روزهای زوج کلاس دارد. الان است که پیدایش شود.» بابا داشت برای جمع خانواده می گفت: «برای من مأموریتی پیش آمده است. می خواهم مشورت بگیرم. به نظر تان همه ی خانواده نقل مکان کنیم و به شهر مرزی برویم یا من بروم و دو هفته یک بار مرخصی بیايم؟» همه کمی فکر کردیم. مادر گفت: «من حرفی ندارم همه با شما به تایید بیايم.» در همین هنگام بود که برادرم وارد اتاق شد. سلام کرد و کنار من نشست. بابا بزرگ در حالی که به صورت همه مان نگاه می کرد، رو به من گفت: «شما چه نظری داری پسر؟ به هر حال، داریم مشورت می کنیم و همه باید در این گفت و گو شرکت کنند.»

با نگرانی گفتم: «برویم شهر دیگر، مدرسه مان عوض می شود. از دوستانم خداحافظی نکرده ام.» بابا بزرگ به بابا نگاه می کرد. مادر بزرگ گفت: «من و بابا بزرگ نظرم این است. پسر، خیالت از سمت خانواده ات راحت باشد. ما هوای خانم بچه ها را داریم. خودت چه فکر می کنی؟» بابا در حالی که به مادر نگاه می کرد

تصویر: زهره اقلانی

چادر گل‌دار

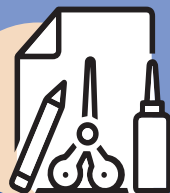
مامان برایم دوخته
یک چادر خیلی قشنگ
رویش پر از عکس گل است
گل‌های ریزرنگ‌رنگ

خوش‌حالم و چادریه‌سر
از خانه بیرون می‌دوم
مانند یک باغ‌گلم
با چادر روی سرم

وقتی که می‌بیند مرا
همسایه‌مان عمّه مهین
باخنده می‌گوید به من
خانم‌شدی صد آفرین



تصویرگر: زهره اقطاعی



جاوسایلی برای خانواده



ظاهره عرفانی



- چی لازم داریم؟
۱. ظرف بزرگ دور ریختنی
 ۲. چسب حرارتی
 ۳. کارتن
 ۴. کاموا ضخیم یا سرقیچی پارچه‌ها
 ۵. پارچه یا لباس‌های بی‌استفاده
 ۶. قیچی



چه طوری درست کنیم:

خیلی از وقت‌ها بخشی از وسایل شخصی خانواده‌ها این طرف و آن طرف می‌افتد. مثلاً باید دنبال جوراب، شانه یا ... بگردند. دوست دارید برای اهل خانواده یک جاوسایلی باز یافتی زیبا درست کنید؟ پس دست به کار شوید! در سر ظرف یک شکاف ایجاد کنید و با قیچی، گرد قیچی کنید. پارچه‌ای را به اندازه‌ی داخل آن برش دهید و با چسب، داخل آن را با پارچه کاملاً بپوشانید. لبه‌ی اضافی پارچه را از بیرون دور تا دور دهانه‌ی ظرف بچسبانید. دو دایره به اندازه‌ی در ظرف روی کارتن بکشید. دورش را برش دهید. دو دایره را وسط پارچه بچسبانید. به اندازه‌ی ۱۰ سانتی متر اضافی دورش را قیچی کنید. اضافی پارچه را روی در بگردانید. یکی از این دو دایره را به کف ظرف بچسبانید. دور آن را با کاموای ضخیم یا نوار پارچه‌ای یا هر نوار دیگری کامل بچسبانید. پشت دایره دومی از مرکز آن کاموای به دور هم بچسبانید. برای دسته‌ی در ظرف، یک کش مو یا هر چیز دیگری وسط آن بچسبانید. حالا ظرف در دار زیبا را به خانواده هدیه کنید!



من دیگر بزرگ شده‌ام



شدی دختر گلم! «بابا چشمکی زد و گفت: «روسری ات از پیراهن من قشنگ تر است!» مامان بزرگ از بالای عینکش نگاهم کرد و گفت: «می دانستم به صورتت می آید. ماه شدی!» روسری به سر دویدم و کنار مامان بزرگ نشستم. مامان بزرگ هم شروع کرد به تعریف کردن خاطرات سفرش از همان روز اوّلی که رفته بود. همیشه وقتی شروع می کرد به تعریف کردن چیزی، حرف هایش

روسری خریده است. روسری آبی خیلی قشنگ بود. گل های ریز رویش صورتی بودند. رنگ صورتی را دوست داشتم. با خوش حالی از مامان بزرگ تشکر کردم و رفتم جلو آینه. روسری را روی سرم انداختم. قشنگ بود. مامان تا من را دید گفت: «حواسم نبود چه قدر بزرگ

همیشه سوغاتی های سفر خوب و دوست داشتنی اند. مامان بزرگ هم از سفر برگشته و یک چمدان سوغاتی با خودش آورده بود، یک عالمه سوغاتی خوب و قشنگ! مامان بزرگ تازه از سفر برگشته بود. من و مامان و بابا رفتیم دیدنش. مامان بزرگ از دیدنمان خیلی خوش حال شد و چمدان بزرگ سوغاتی هایش را باز کرد. توی چمدان چیزهای مختلفی بود، از لباس و کفش گرفته تا مجسمه های چوبی.

مامان بزرگ یک جفت کفش به مامان و یک پیراهن به بابا هدیه داد. یک روسری آبی پراز گل هم به من داد. گفت چون ۹ سالم شده، به جای عروسک، برایم





عروسک هایشان را از مامان بزرگ گرفتند و گفتند: مینا عروسک تو کو؟ با مهربانی گفتم عروسکم توی خانه مان است، نیاوردمش. بیایید برویم گرگم به هوا بازی کنیم. همه از اتاق بیرون آمدیم. روی راه پله های ایوان که رسیدیم، سمیرا گفت: نه قایم باشک بازی کنیم و روی پشت بام هم برویم. همان جور که می دودیم گفتم نه. پشت بام برای بازی خطرناک است. حواستان باشد من بزرگ شده ام، خوب است به حرفم گوش کنید. دختر عموها همان جور که دنبال می دودند لبخند زنان گفتند چشم رئیس و همه با هم خندیدیم.

مامان بزرگ را گوش می کنم. مامان بزرگ تا حرفم را شنید با خنده گفت: عزیزم شما به سن تکلیف رسیدی، خانم شدی، اما فکر نکنم عیبی داشته باشد بروی با دختر عموها بازی کنی. مامان گره روسری ام را محکم کرد و گفت: دخترم مهربان است الان می رود با سارا و سمیرا جان بازی می کند و دل آن ها را نمی شکند. بابا گفت: ما خاطرات مادر بزرگ را برایت تعریف می کنیم. مامان بزرگ خندید و گفت: سارا و سمیرا این عروسک ها را هم برای شما سوغات آوردم. دختر عموها

کلی طول می کشید. هنوز ماجراهای روز اول سفر تمام نشده بود که یکی زنگ خانه ی مامان بزرگ را زد. بابا رفت و در را باز کرد. عمو جان و زنش آمده بودند با دو تا دخترشان. دختر عموها تا مرا دیدند سلام کردند و گفتند: «چه عالی تو هم که اینجایی بیا برویم توی حیاط بازی کنیم.» با لبخند جواب سلامشان را دادم و گفتم: نمی شود. مگر نمی بینید من دیگر بزرگ شدم و و مامان بزرگ به من روسری هدیه داده است. من با شما بازی

نمی کنم. همین جا می مانم و خاطرات



تصویرگر: زهره افطاعی



مدافعان قلعه



در بازی این هفته قرار است صاحب یک قلعه شوید که مورد حمله‌ی دشمنان قرار خواهد گرفت. کار شما در بازی Towerlands: Tower Defense TD این است که با قرار دادن نیروهای مختلف در بخش‌های مختلف قلعه‌تان، از آن در برابر هجوم دشمنان محافظت کنید. ابتدا تنها یک برج ساده در اختیارتان قرار می‌گیرد و از شما خواسته می‌شود در مقابل حملات دشمنان ایستادگی و از شهر محافظت کنید. بیشتر محتوای بازی روی ارتقای تجهیزات و جابه‌جایی نیروها در برج تمرکز دارد. برای نمونه، می‌توان شخصیت‌هایی را از گروه‌های مختلف مانند کمان‌دار انتخاب کرد و با توجه به فضایی که وجود دارد، آن‌ها را درون یکی از جایگاه‌ها قرار داد. علاوه بر ارتقای تجهیزات و نیروها، می‌توان برج یا حتی ساختمان‌هایی از شهر را هم ارتقا داد اما انجام تمام این به‌روزرسانی‌ها و خریداری تجهیزات، به تعداد بسیار زیادی سکه نیاز دارد که برای کسب آن‌ها باید مسیرهای مختلفی در پیش گرفت. گذراندن مراحل بازی یکی از بهترین راه‌هایی است که می‌توانید با آن به‌پاداش خوبی دست پیدا کنید. در هر مرحله، باید در مقابل انبوهی از دشمنان مانند راهزن‌ها و نیروهای انسانی و اهریمنی مقاومت کنید و مانع از ورود آن‌ها به شهر شوید. هم‌چنین خزانه‌ای در شهر وجود دارد که گهگاه بار جوع به آن می‌توان طلاهای استخراج شده از معدن را برداشت کرد و با استفاده از آن قلعه را ارتقا داد. در این بازی، در کنار تعداد زیادی شخصیت‌های متنوع، تجهیزات مختلفی هم برای دفاع از برج در دسترس قرار دارد. ترکیب درست نیروها و تجهیزات درون برج از مهم‌ترین موضوعات برای پیروزی بر دشمنان است.



کد روبه‌رو را اسکن و از قلعه‌تان در برابر هجوم دشمنان محافظت کنید!



اسکن کنید





نیم وجبی‌ها

«نیم وجبی‌ها»، نوشته‌ی حمیده رضایی، کتابی ساده و روان برای آشنا کردن و کودکان ما با حجاب و وسایل مربوط به آن است. حمیده رضایی در پنج داستان کوتاه به سراغ این وسایل و پوشیدنی‌های حجاب رفته و حجاب را از نگاه آن‌ها برای بچه‌ها قصه‌گویی کرده است. هرکدام از این پنج داستان یکی از وسایل مربوط به حجاب مثل چادر، لباس بلند، پارچه‌ی چادر و حجاب و کش چادر را وارد دنیای کودکان و داستانی کرده است تا بچه‌ها با کمک قوه‌ی تخیل خودشان ارتباط بهتری با ارزشمندی و جایگاه حجاب پیدا کنند.



نویسنده: حمیده رضایی

ناشر: جمکران

سال انتشار: ۱۳۹۹

مثل ایوا مهربان باش



داستان این انیمیشن ماجرای جفدی به نام ایواست که به مدرسه می‌رود و سعی می‌کند به دوستانش کمک کند و در هر قسمت، تجربه‌ای را که از آن روز به دست می‌آورد در دفترچه‌ای یادداشت برداری می‌کند. مثلاً یک روز برای مسابقه‌ی بهترین کیک جفدی تمام تلاشش را می‌کند تا رقیبش را شکست دهد اما در پایان متوجه می‌شود که نباید فقط به فکر شکست دادن رقیبش می‌بود بلکه باید تمرکزش را روی کارش می‌گذاشت و تمام تلاشش را در این جهت صرف می‌کرد. ایوا سعی می‌کند در هر قسمت، یک پیام اخلاقی به مخاطب کودک منتقل کند. شخصیت این انیمیشن از خاطرات خود یادداشت برمی‌دارد و این مسئله به کودک آموزش می‌دهد قدرت تخیل و خلاقیت خود را دست کم نگیرد.

این انیمیشن به دلیل اینکه ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را ساده و روان بیان می‌کند و هیچ خشونت و ترس در آن وجود ندارد، برای کودکان مناسب است.

نویسنده:

ربکا الیوت

نام:

ایوا جفد کوچولو

تاریخ انتشار:

۲۰۲۳

کارگردان:

دیمین اوکانر



شکوفه های ایمان



هر کسی چه کوچک باشد چه بزرگ حتما روزهایی را در زندگی اش دارد که برایش از همه مهم تر و با ارزش تر و دوست داشتنی تر باشد.

روزهای مهم روزهایی به یادماندنی و خاص هستند. امروز هم روز بزرگی برای ماست چون به جشن نه سالگی مان دعوت شده ایم، یک جشن به یادماندنی در بهترین جای دنیا یعنی حرم امام رضا [ع]. حالا که به سن تکلیف رسیده ایم، مثل بزرگ ترها می توانیم با خدای عزیز و مهربان در نماز صحبت کنیم. می توانیم روزه بگیریم و حجاب خود را رعایت کنیم تا خدا ما را بیشتر دوست داشته باشد.

خادم های حرم با مهربانی و افتخار به ما نگاه می کنند. به خودم و دوستانم که نگاه می کنم، چه قدر باروسری و چادر زیباتر و خانم تر شده ایم. مرتبی مان می گوید: «دختران گل، جشن به سن تکلیف رسیدن و جشن بندگی خدا بر شما مبارک! دخترهای عزیزم! هیچ دقت کرده اید مروارید زیبا و سالم همیشه توی صدف است؟ شما مثل جواهر و گوهر و مروارید، خیلی ارزشمندید.

همیشه هر چیز با ارزش یک محافظ و پوشش برای خود دارد. این پوشش شما مثل همان صدف زیباست که شما را از خطرها و آسیب مراقبت می کند.»

همه «چادر» به سر داریم و مثل فرشته ها به زیارت امام هشتم امام رضا [ع] آمده ایم تا به حضرت رضا [ع] سلام بگوییم. خوش حالیم که به سن تکلیف رسیده ایم و می توانیم مثل بزرگ ترها کارهای خوب بیشتری انجام بدهیم. مرتبی مان می گوید:

«حالا که به سن تکلیف رسیده اید، از نور

خدا و ایمانی که در دلتان شکوفه

زده است مراقبت کنید.» داریم

به این حرف خانم مرتبی فکر

می کنم که چند کبوتر گنبد

از روی سرم پرواز می کند و

یک دانه پرسفید آرام روی

دستم می افتد. با خودم

می گویم باید همیشه

دختری که خدا دوست

دارد باشم.



راد مهر ریعی ۵ ساله از تهران



قاب کودکی

شما هم می‌توانید
عکس‌های کودکان خود را
برای ما به شماره‌ی ایتای
۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ بفرستید.

حامین ساجدی نیاعاشق خانه پدری بزرگ است



ماهور ۹ ماهه



عرفان اباذریان

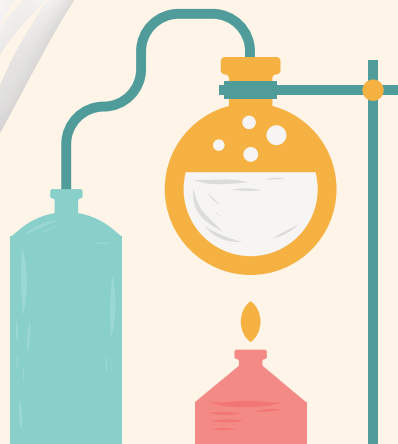


آزمایش‌های جالب علمی

با قدرت هوا بطری پلاستیکی را مچاله کن!

مواد و وسایل لازم: بطری پلاستیکی خالی، آب گرم، قیف، دستکش برای انجام این آزمایش، بهتر است از دستکش استفاده کنید. داخل بطری پلاستیکی به کمک قیف آب بسیار گرم بریزید. [دقت کنید از آب جوش استفاده نمی‌کنیم زیرا هم خطرناک است هم باعث تغییر شکل بطری پلاستیکی بر اثر گرما می‌شود].

در بطری را ببندید و ۲۰ ثانیه تکان دهید تا هوای داخل آن کاملاً گرم شود. سپس آب بطری را خالی کنید و بلافاصله درپوش را ببندید. این کار باید به سرعت انجام شود تا هوای داخل بطری گرم بماند. بطری را روی سطحی صاف مانند یک میز قرار دهید. مشاهده خواهید کرد یک نیروی نامرئی شروع به مچاله کردن بطری خالی می‌کند و بطری بدون هیچ دفاعی در مقابل فشار هوا مچاله می‌شود! فشار هوا واقعاً قدرتمند است اما چرا ما فشار هوا را احساس نمی‌کنیم؟ ما فشار هوا را احساس نمی‌کنیم زیرا از ابتدای روی زمین به دنیا آمده‌ایم و ساختار بدن ما روی زمین با همین فشار تکامل پیدا کرده و فشار درون بدن ما با فشار بیرون آن سازگار شده است. هم‌چنین فشار هوا در همه‌ی جهت‌ها به بدن ما وارد می‌شود. فشار هوا در ریه‌ها، گوش‌ها و معده برابر است با فشار هوا در خارج بدن که تضمین می‌کند بدن ما خرد نشود.



بشر با عقل خود از ابتدای تاریخ دست به اختراعاتی زده است که زندگی را برایش آسان تر می کند. در عصر حاضر، فناوری اطلاعات مهم ترین دستاورد انسان بوده که جهان پهناور را همچون دهکده ای کوچک در هر لحظه از شبانه روز در دسترس او قرار داده است. شاید بتوان گفت خوارزمی به عنوان یک دانشمند ایرانی، با تدوین علم جبر، پیشرو دانشمندان پس از خود در این راه بوده است. علی زمانی اسکندری دانش آموز پایه ی ششم مدرسه ی کاوش و یک مخترع کوچک است. او با طراحی یک زمین فوتبال هوشمند، جزو برترین های جشنواره ی بین المللی ابن سیناست. گفت و گوی ما با علی را بخوانید.

گفتگو با یک مخترع کوچک

در راه پیروزی دلسردی معنی ندارد

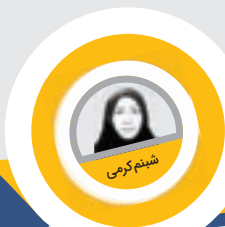
آغازی درخشان و پرشور

با راهنمایی های پدر و مادرم از نه سالگی در کلاس های کامپیوتری که زیر نظر دانشگاه امیرکبیر برگزار می شد در دوره های استیم مجیک و استیم گلکسی شرکت و هم زمان زیر نظر استادانم، خانم رفیعی و خانم پویا، به صورت خصوصی آموزش برنامه نویسی کامپیوتر و نرم افزارهای مربوط به آن را آغاز کردم.

تاکنون کسب مدال برنز جشنواره ی بین المللی ابن سینا، مدال برنز المپιάد ریاضی آسیایی SASMO، مقام اوّل جشنواره ی جابرین حیّان در ناحیه ی ۳، مقام اوّل جشنواره ی جابر استان، مقام اوّل مسابقات وبلاگ نویسی ناحیه ی ۳، مقام دوم مسابقات وبلاگ نویسی استان، کسب مقام دوم مسابقات کتاب خوانی ناحیه ی ۳ و همچنین اتمام دوره ی برنامه نویسی استیم مجیک زیر نظر دانشگاه صنعتی امیرکبیر را در کارنامه ی موقّعیّت های خود به ثبت رسانده ام.

نخستین موقّعیّت علمی من در سال ۱۴۰۰ بود که هم زمان در مسابقات جشنواره جابر، وبلاگ نویسی و کتاب خوانی، صاحب مقام برتر شدم.

در سال ۲۰۲۲ در جشنواره ی بین المللی ابن سینا شرکت کردم و به مدال برنز این مسابقات دست یافتم.



شیم کریمی



تلاش و باز هم تلاش

در هر پروژه‌ی ساخت یا برنامه‌نویسی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده‌ام که روزهای تلخ و شیرین بسیاری برای من به همراه داشته است. بعضی روزها به علت سختی کار و ناآشنایی با برخی از مدارهای الکتریکی درباره‌ی ادامه فعالیت‌ها دلسرد می‌شدم اما با حمایت‌ها و پشتیبانی‌های پدرم، کار را از سر می‌گرفتم تا اینکه به لطف خدا موفق به اتمام پروژه‌ی خود شدم.

در کل، به ساخت و طراحی پروژه‌های هوشمندسازی اماکن ورزشی و مسکونی علاقه‌مندم اما با توجه به علاقه‌ی بسیاری که به درس ریاضی و کامپیوتر دارم، شرکت در مسابقات و المپیادهای مربوط به آن‌ها را دوست دارم و یکی از بزرگ‌ترین آرزوهایم موفقیت و کسب مقام بین‌المللی در این رشته‌هاست. زبان انگلیسی، شنا و فوتبال هم از دیگر دوست‌داشتنی‌هایم هستند.

خوارزمی که بود؟

با توجه به علاقه‌ی خودم و راهنمایی‌های پدرم، در کلاس‌های رباتیک و کامپیوتر ثبت‌نام کردم و به دلیل پیشرفتی که داشتم، تصمیم به طراحی، ساخت و برنامه‌نویسی پروژه‌های کوچک‌تر گرفتم و با راهنمایی‌های استاد عزیزم، خانم افسانه افشار کردستانی، ساخت و برنامه‌نویسی زمین فوتبال هوشمند را آغاز کردم.

خوارزمی از ریاضی‌دانان و ستاره‌شناسان و فیلسوفان بزرگ ایران و پایه‌گذار علم جبر بوده است که بسیاری از روش‌های حل معادلات امروزی به کمک فرمول‌های این دانشمند بزرگ است. امسال قصد دارم با تکمیل پروژه‌ام، در جشنواره‌ی خوارزمی شرکت کنم.

پروژه‌ی معرفی من!

پروژه‌ی من یک زمین فوتبال هوشمند است که به دو روش نرم‌افزاری و سخت‌افزاری کنترل می‌شود. از قابلیت‌های این پروژه سیستم گرمایش از کف آن است که در روزهای زمستانی [ابری و بارانی] مانع از باتلاقی شدن زمین فوتبال می‌شود. هم‌چنین سیستم گرماتابی برای رفاه حال تماشاگران دارد. از دیگر ویژگی‌های این پروژه مدار سنسور باران آن است. به محض اینکه رطوبت خاک از مقدار مشخصی که برای سیستم طراحی شده است بیشتر شود، به صورت خودکار به فعال‌سازی مدار اقدام می‌کند. مدار سیستم روشنایی آن نیز با توجه به تاریکی و روشنایی هوا فعال می‌شود.

به تکمیل پروژه‌ام فکر می‌کنم

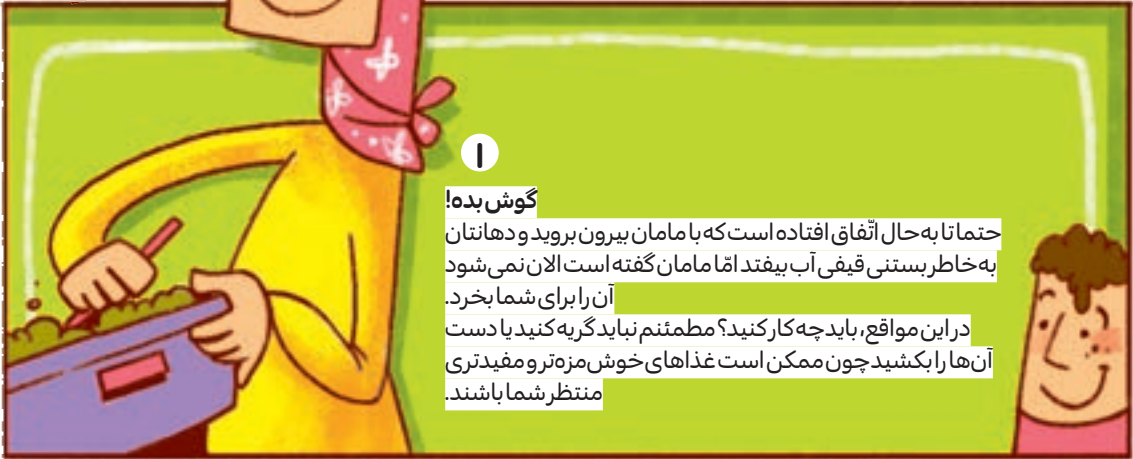
بیشتر اوقات در اتاق خودم به همراه پدرم مشغول انجام فعالیت‌های علمی هستم. تا امروز، لطف خدا، تلاش و پشتکار خودم و پشتیبانی خانواده و استادانم را سبب موفقیت‌های خود می‌دانم و قدردان آن‌ها هستم. دوست دارم به تکمیل پروژه‌ام که طراحی سقف هوشمند برای ورزشگاه‌هاست اقدام کنم. این روزها منتظر اعلام نتایج آزمون تیزهوشان هستم اما در کلاس‌های فوتبال و شنا هم نام‌نویسی کرده‌ام و به زودی به همراه مربی عزیزم، جناب آقای توگلی، و به همراه تیم فوتبال اهورا، به اردویی در شهر جویبار خواهیم رفت. امسال سالی بسیار حساس برای من و دوستانم بود و روزانه با توجه به حضور در مدرسه، حدود ۱۳ تا ۱۴ ساعت درس می‌خواندم. بیشتر دوست دارم کتاب‌هایی درباره‌ی طراحی و ساخت و رباتیک مطالعه کنم اما در کنار آن، به کتاب‌های داستان نیز علاقه دارم.

خانواده و شما



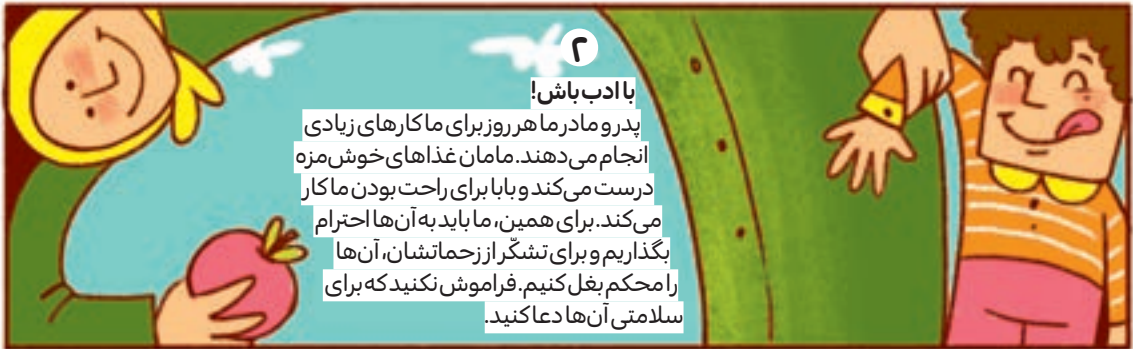
مریم غفاریپور
پانزده ساله

وقتی به دنیای ما آییم، اولین چیزی که در دنیای به این بزرگی می بینیم خانواده است. هرکسی در برابر خانواده اش حقوق و مسئولیت هایی دارد. یعنی کارهایی که برای ما انجام می شود و کارهایی که باید انجام بدهیم.



۱ گوش بده!

حتما تا به حال اتفاق افتاده است که با مامان بیرون بروید و دهانتان به خاطر بستنی قیفی آب بیفتد اما مامان گفته است الان نمی شود آن را برای شما بخرد. در این مواقع، باید چه کار کنید؟ مطمئنم نباید گریه کنید یا دست آن ها را بکشید چون ممکن است غذای خوش مزه تر و مفیدتری منتظر شما باشند.



۲ با ادب باش!

پدر و مادر ما هر روز برای ما کارهای زیادی انجام می دهند. مامان غذای خوش مزه درست می کند و بابا برای راحت بودن ما کار می کند. برای همین، ما باید به آن ها احترام بگذاریم و برای تشکر از زحماتشان، آن ها را محکم بغل کنیم. فراموش نکنید که برای سلامتی آن ها دعا کنید.



۳ کمک کن!

یکی از کارهایی که باید در خانواده انجام بدهیم کمک کردن در کارهاست. مثلا همراه مامان سفره را بچینیم یا به خواهر و برادرمان در جمع کردن وسایلشان کمک کنیم. یادتان باشد که خانواده فقط پدر و مادر و خواهر و برادر نیستند بلکه پدر بزرگ و مادر بزرگ هم جزو خانواده حساب می شوند.



۴

خانه‌ی ما

خانواده تا وقتی که بزرگ بشویم، مانند یک خانه، در برابر آسیب‌ها و اتفاق‌های بد از ما مراقبت می‌کند، همان‌طور که وقتی تازه به دنیا آمده بودیم از ما نگهداری می‌کردند. آن‌ها به ما کارهایی درست و غلط بیرون از خانه را یاد می‌دهند و مراقب هستند که مریض نشویم.

۵

معلم‌های زندگی

خانواده به ما چیزهای با ارزش زیادی یاد می‌دهد. مثلاً از همان اول زندگی، مامان به ما با ادب و درست صحبت کردن با دیگران را یاد می‌دهد. بابا به ما یاد می‌دهد چه‌طور با اراده دوچرخه‌سواری یاد بگیریم و شجاع باشیم. حتی می‌توانیم از خواهر یا برادر بزرگ‌ترمان کارهای درست مثل درست لباس پوشیدن را یاد بگیریم.



۵

بهترین‌ها

پدرها و مادرهای خیلی از ما بیرون از خانه کار می‌کنند تا بتوانند بهترین چیزها را برای ما فراهم کنند. برای همین، هر لباسی که بابا برای مامی خرد یا هر عروسکی که مامان برای مامی دوزد بهترین لباس و عروسک دنیا است. یادتان نرود حسایی مراقب آن‌ها باشید و از مامان و بابا کلی تشکر کنید.



بن کاظم

جدول انگلیسی:

امام موسی کاظم (ع)

روز یکشنبه تولد امام موسی کاظم (ع) امام ہفتم مابود۔ یکی از احادیث امام موسی را در اینجا با ہم می خوانیم: «هر کہ می خواهد قوی ترین مردم باشد بر خدا توکل کند»۔ توکل یعنی اینکه به کمک خداوند در کارها اطمینان داشته باشیم و از چیزی نترسیم۔ کلمات مشخص شدہ را در جدول پیدا کن۔ راهنمایی: ہمہی کلمات افقی ہستند۔

S	U	N	D	A	Y	D
A	N	H	E	R	E	T
N	A	R	E	A	D	F
S	T	R	O	N	G	F
S	T	R	U	S	T	S
R	H	E	L	P	K	L
D	L	Y	G	O	D	A



پاسخ ها
یکشنبه Here
ہی خوانیم Read
قوی Strong
توکل Trust
کمک Help
خداوند God

عروسک بدون چهره‌ی روستای قلعه‌قافه



عروسک‌سازی یکی از هنرهای قدیمی ایران است. هر عروسک برای خود داستانی از یک تیره و طایفه دارد. امروز می‌خواهیم به یکی از نقاط سرسبز کشور یعنی روستای قلعه‌قافه در شهرستان مینودشت واقع در استان زیبای و سرسبز گلستان سفر کنیم و با عروسک‌زیبای این روستا آشنا شویم. عروسک‌های اصیل روستای قلعه‌قافه با قدمت بیش از صد و پنجاه سال هنوز هم بی‌چهره هستند. سازنده‌ی این عروسک، خانم خواجه، از بانوان زحمتکش اهل روستای قلعه‌قافه، درباره‌ی بی‌صور بودن این عروسک از دیگاه قدیمی‌های می‌گوید: «چون زن احترامی خاص داشته است، برایش چهره نمی‌ساختند در گذشته اسم هر زن را فقط خانواده‌اش می‌دانستند.»

این عروسک نیز روی خود را با چارقد مشکی بسته است زیرا عروس‌های قدیم تا یک سال به دلیل احترامشان، به غیر از نزدیکان، با غریبه‌ای حرف نمی‌زدند. عروس بعد از یک سال اجازه داشته است به مزرعه برود و غذا بپزد. هنر ساخت این عروسک زیبا در فهرست آثار ملی ایران افزوده شده است.



